



شهلا آقاپور نقاش، شاعر و مجسمه ساز متولد تهران، از مادر و پدر آذری است. پس از پایان دوره دبیرستان در یافت دیپلم در رشته های علوم طبیعی و ادبیات فارسی تحصیلاتش را در رشته های هنر و طراحی در دانشگاه تهران گذرانده است. وی از سال 1365 ساکن آلمان میشود و در سال 1373 رشته تعلیم و تربیت کودک و هنر درمانی را در برلین بپایان میرساند. سپس بعد از ادامه تحصیل هنر در دانشگاه برلین سال 1381 موفق به دریافت فوق لیسانس

Master of Art (Arts in Context)

یعنی (متخصص در آموزش علم هنر با پروژه های مختلف هنری) از دانشگاه هنر های تجسمی برلین میگذرد. شهلا آقاپور پایان نامه اش را به نام هزار و یک پل به سوی هنر که از تجربیات عملی و نظری پروژه های مختلف چندین ساله خودش را به صورت کتاب که دارای داستانهای کوتاه ادبی بهم پیوسته اجتماعی و هنریست، نوشته است، که پایه و اساس آن به انسان و عشق معطوف است.

شهلا آقاپور از سال 1371 نمایشگاههای متعدد انفرادی و گروهی در گالری های مختلف آلمان بویژه در مراکز فرهنگ و هنر برلین برپا داشته، که نقاشیهای او در چهار کتابچه نقاشی گروهی و یک کتاب نقاشی (کاتالوگ) فردی (تکی) از طرف اداره فرهنگ و هنر گالری اشتگلیتس برلین چاپ شده است.

وی از سال 1374 نیز جلسات متعددی شعرخوانی به زبان آلمانی و فارسی در مجامع فرهنگی آلمان همچون خانه ادبیات "برتولت برشت"، "مجلس برلین"، "وزارت فرهنگ و هنر" و غیره برگزار کرده است. شهلا آقاپور سه جلد کتاب شعر به زبان آلمانی و فارسی به نام های، اندیشه های حسی (چاپ نشر قصه)، آشفتگی جهان و ذرات گرم حس (چاپ نشر آیدا) دارد. چندین اشعار وی نیز به زبان آلمانی در کتاب شاعران مهاجر در برلین چاپ شده است.. کتاب جدیدش به نام (مروارید سیاه) می باشد که در آینده نزد یک به چاپ خواهد رسید.

از سال 1377 هم فعالیتهای نمایشی کوتاه مدرن هنری (پرفرمانس) به نامهای اسطوره ها، چشم خدای زن، بهشت و جهنم، سایه و نور. یکی در دو جهان، آشتی فرهنگها و نیز نقاشی روی بدن برهنه را در کنار نمایشگاههای نقاشی و شعر خوانی به نوشته و کارگردانی خود ایشان به اجرا در آمده است.

اودر حال حاضر تدریس هنر و هنردرمانی را با پروژه های و ایده های جدید می کند. یکی از این پروژه ها به نام ماندالا یعنی دایره که حدود دو سال است ادامه دارد، که با شعر و صحبت فلسفی هنری، علمی و روانشناسی شروع میشود سپس تکنیک های ابزاری و شیوه های مختلف هنر نقاشی و رنگ، و فرم دادن اشیاء را در قالب ماندالا به شرکت کنندگان می آموزد.

شرکت کنندگان با هنر جو بیان در این پروژه ها نه تنها روش هنر نقاشی و فرم دادن خاک و سنگ را در قالب موضوعهای مختلف علمی یاد می گیرند بلکه از نظر روحی و روانی هم آرامش پیدا میکنند و با بحث های هنری، ادبی و علمی خود شرکت کنندگان در رابطه با موضوع مربوطه نیز باعث فراگیری همدیگر می شوند...

شهلا آقاپور می نویسد:

چشمها که هسته مرکزی هنر و شعر مرا تشکیل می دهند نقشی که متاثر از حساسیت می باشد و بیبا نگر حس و عاطفه ای که در من برانگیخته شده و تائری که بوجود آمده و نیز نیازهای درونی بشر است همواره در کارهایم بوضوح پیداست. رهائی احساسات من از طریق ابزار واژه ها، کلمات، خطوط، رنگ ها، خاک و سنگ همانند آینه منعکس می شوند عنصر خیال و ایماژ و تجربه و شیفتگی در آثارم جایگاه ویژه ای دارند که بازتابی از واقعیتهای زندگی است و عشق نیز انگیزه ی تداوم و پایداری کارهای هنری ام میباشد.

من می خواهم طبیعت، انسان، شعر و هنر را درهم ادغام کنم و معنای عمیق فلسفه زندگی را به آن بدهم همچنانکه انسان نه تنها خلق شده بلکه خالق

شهلا آقاپور پایان نامه اش را به نام هزار و یک پل به سوی هنر که از تجربیات عملی و نظری پروژه های مختلف چندین ساله خودش را به صورت کتاب که دارای داستانهای کوتاه ادبی بهم پیوسته اجتماعی و هنریست، نوشته است، که پایه و اساس آن به انسان و عشق معطوف است.

shahla@aghapour.de

